

به نام خدا

آقای دکتر شادمان نعمتی: پیشرفت در حوزه پزشکی

## درسنامه:

### حلزون‌های خانه به گوش؛ درس‌نامه دکتر شادمان نعمتی

#### مقدمه

کشورهای پیشرفته جهان را به دو دسته توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تقسیم کرده‌اند. کشورهای توسعه‌یافته از نظر آن‌ها کشورهای است که به توسعه اقتصادی، صنعتی و تکنولوژی رسیده‌اند. اگرچه این مبنا برای تقسیم‌بندی جهان مبنای درستی نیست، اگر بخواهیم به ریشه این توسعه‌یافتگی برسیم باید روی علوم جدید دست بگذاریم.

دستیابی کشورهای غربی به علوم جدید منجر به قدرت پیدا کردن آن‌ها نیز شد. قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و حتی قدرت نظامی آن‌ها، همگی ریشه در علم جدید دارد. به همین دلیل، دستیابی به علم جدید و پیشرفت در آن یکی از ضرورت‌های جامعه امروز ماست.

پیشرفت‌های نظامی امروز ایران و گسترش صنایع موشکی و پهپادی که تکیه بر علم جدید دارد، آن قدر مهم است که موجب بازدارندگی حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران شده و این امر نشان از قدرت پیدا کردن ایران است؛ بنابراین دستیابی به علم در جهان امروز، دستیابی به قدرت است.

پیشرفت ما در حوزه پزشکی نیز یکی از نیازهای ضروری جامعه ماست. کشوری که حتی امکان دسترسی به داروهای خاص را ندارد و تحریم است، حتماً لازم است که در حوزه پزشکی نیز ورود کرده و به دانش روز دنیا در این حوزه دست پیدا کند. در ادامه، روایت دکتر شادمان نعمتی را از دستیابی استان گیلان به دانش کاشت حلزون گوش می‌خوانیم:

#### روایت دکتر شادمان نعمتی

شادمان نعمتی از همان دوران دبیرستان بچه درس خوانی بود. شاگرد اول مدرسه بود و معلم‌ها همیشه دوستش داشتند. سی‌ویکم خرداد سال ۱۳۶۹ سوم دبیرستان بود. ساعت دوازده شب، در کمال ناباوری

دید که خانه‌شان شبیه یک کشتی طوفان‌زده تکان می‌خورد. زلزله منجیل پر بود از صحنه‌های دردناک و باورنکردنی:

صحنه‌ای را که می‌دیدیم، باورمان نمی‌شد. منجیل شبیه تلی از خاکستر شده بود؛ همه‌اش کشته، همه‌اش آوار. نیمی از خانواده و آشنایانمان را که در رودبار ساکن بودند، از دست دادیم. با آنکه جوان لاغر و بی‌جته‌ای بودم، به‌عنوان نیروی داوطلب رفتم تا کنار عموها و دایی‌هایم برای آواربرداری کمک کنم.

شادمان از همان دوره نوجوانی با درد مردم آشنا شد و از همان نوجوانی برای حل مشکلات مردم پای کار ایستاد و برای آواربرداری از روستا و نجات جان مردم تلاش کرد. همین دردمندی او بعدها انتخاب‌هایش را تغییر داد. زمانی که می‌توانست رفاه شخصی‌اش را انتخاب کند، به گیلان بازگشت و برای مردم کار کرد:

سال ۸۵، وقتی تخصصم را گرفتم، در مورد تخصصی نفر اول کشور شدم. این یعنی هر جایی که دلم می‌خواست می‌توانستم بروم. از دانشگاه‌های مختلف بهم پذیرش می‌دادند که به‌عنوان عضو هیئت‌علمی تدریس کنم. حتی دانشگاه تهران و اصفهان من را می‌خواستند؛ اما گیلان را انتخاب کردم، چون از شلوغی و آلودگی تهران و کلان‌شهرها بیزار بودم. در عوض، گیلان محیط و طبیعت زیبایی داشت و به پدر و مادرم هم نزدیک بودم. با خودم گفتم: من که می‌خواهم خدمت کنم، چه بهتر که به هم‌شهری‌های خودم خدمت کنم.

این در حالی است که هم‌دوره‌ای‌های او در کانادا و آمریکا هستند. از دور برایش پیغام می‌فرستند که چرا مهاجرت نمی‌کنی؟ تو که کارنامه پژوهشی خوبی داری؛ اما چیزی‌های دیگری هست که آقای نعمتی را پایبند این مرزوبوم کرده است:

راستش پیشنهادشان بی‌ربط نیست. واقعیت این است که من با توجه به کارنامه علمی پژوهشی‌ام می‌توانستم خیلی شیک و اتوکشیده و کراوات‌زده در تورنتو قدم بزنم، کسب‌وکار راه بیندازم، در آمد خوبی داشته باشم، کلاس داشته باشم یا در مؤسسات پژوهشی پژوهش کنم؛ اما عقیده من این است که باید بین کم‌وکسری‌های مردم خودم باشم و به آن‌ها خدمتی بکنم و لبخند رضایتشان را ببینم. همین‌که موقع رانندگی بچه‌ای از ماشین بغلی برایم دست تکان

می دهد و با خنده می گوید: «سلام دکتر نعمتی. شما لوزه من رو عمل کردید»، تمام آن پیشنهادهای و اماواگرها از ذهنم پاک می شود. انتخاب من درمان درد بود؛ حالا کنار خرابه های زلزله یا توی درمانگاه گوش و حلق و بینی. من این انتخاب را با هیچ چیز دیگری عوض نمی کنم.

وقتی وارد گیلان شد، سال ۱۳۸۵ جراحی های اندسکوپیک سینوس را درد پیشرفته راه انداخت. حتی بعضی عمل های جراحی چشم و مجاری اشکی را بدون برش با اندوسکوپ سینوس عمل کردند؛ کارهایی که برای اولین بار در گیلان انجام می شد.

سال ۱۳۸۶، یک سال از آمدنش به استان می گذشت که یکی از بچه های اداری مالی سری به دکتر نعمتی زد و نکته جالبی گفت: «دکتر، شما هر عمل جراحی ای که انجام می دید، ضریب داره؛ مثلاً عمل جراحی لوزه ۵ و ۲دهم k داره. جراحی گوش ۳۰ k هست. شما این ها رو توی صورت حساب می زنید؟»

من یک سال شبانه روز جراحی کرده بودم و اصلاً نمی دانستم و به فکرم نرسیده بود که باید k بزنم و دستمزد بگیرم! همان جا سرانگشتی حساب کردم، دیدم دستمزدم به اندازه دو تا ماشین سانتافه می شده [خنده]. اصلاً به فکر این چیزها نبودم. من فقط می خواستم بهترین کارها را برای مردم انجام بدهم.

یکی از ایده های دکتر نعمتی تشکیل یک مرکز تحقیقاتی گوش و حلق و بینی بود. علی رغم مخالفت هایی که در دانشگاه صورت گرفت، این مرکز تحقیقاتی کارش را آغاز کرد و امروز بعد از گذشت شانزده سال، بیش از ۱۱۲ مقاله در این مرکز نوشته شده که ۲۵ تا از مقاله ها جزو مقاله های برتر جهان هستند. سال ۱۳۸۹ یک اتفاق ویژه در مرکز تحقیقات رخ داد که جزو آرزوهای دکتر در مرکز تحقیقات بود:

داخل مرکز تحقیقات نشسته بودیم و با اساتید صحبت می کردیم. مطرح کردم که جزو آرزوهای بخش ما این است که کاشت حلزون راه بیندازیم. کاشت حلزون در رشته گوش و حلق و بینی، نهایی ترین مرحله است؛ یعنی آخرین حدی که ما در رشته خودمان می توانیم به مریض ها خدمت کنیم، همین عمل است. راه اندازی مرکز کاشت حلزون جزو آرزوهای همیشگی ام بود. تکنولوژی اش هم در اختیار هر دانشگاهی قرار نمی گیرد. اگر مرکزی این امتیاز را داشته باشد، قطب درمانی بخش وسیعی خواهد شد.

رسیدن به این هدف کار پیچیده و دشواری بود. دکتر نعمتی هرچه مجوز کاشت حلزون را پیگیری می‌کرد به نتیجه نمی‌رسید. از استانداری گرفته تا نماینده شهر و رئیس دانشگاه را دید؛ حتی به برنامه‌بودجه استان هم سری زد؛ اما حرفشان نه بود. می‌گفتند تهران نزدیک‌ترین مرکز است و می‌تواند گیلان را هم پوشش بدهد؛ اما دکتر اعتقاد داشت این اتفاق باید حتماً در گیلان رخ بدهد:

آن‌ها دوست داشتند این عمل یک جوری انحصاری باشد و امتیازش را به هرکسی ندهند. واقعاً هم عمل ظریفی است و هر جراحی قابلیتش را ندارد. باید زیرساخت‌ها و قابلیت‌های علمی و فنی وجود داشته باشد که کمیته کشوری اعتماد کند. اما برای ما مهم بود؛ چون با این عمل، بچه‌ای که قرار بوده کرومال بشود و برود به مدارس استثنایی، تبدیل می‌شد به کسی که کاملاً عادی است.

این عمل جراحی بدون کوچک‌ترین مرگ‌ومیر و اجبار برای خوردن داروهای شیمی‌درمانی، بردبرد است. عمل دوساعت‌ونیمه انجام می‌شود. بعدش باید حدود صد جلسه توان‌بخشی و گفتاردرمانی انجام شود تا پروتز بیمار، مدارهای قسمت مغزی‌اش را بشناسد و آموزش بگیرد. در این مرحله مغز باید کدها را بشناسد.

دکتر نعمتی در کنار یکی از همکارانشان دوره فلوشیپ را می‌گذرانند تا کم‌کم استادتمام دانشگاه بشوند و در جامعه پزشکی اعتبار کسب کنند. همین اعتبار در سال ۱۳۹۹ باعث شد امتیاز کاشت حلزون گوش را بگیرند و اولین کاشت حلزون در استان گیلان انجام شود:

معمولاً برای یکی دو سال اول اجازه نمی‌دهند مرکزی بیشتر از ده‌پانزده کاشت انجام بدهد، چون می‌گویند جوان و کم‌تجربه هستند؛ اما خدا را شکر، با توجه به لطفی که دوستان به ما دارند و نظرشان خوب و مثبت است، تا حالا ۴۹ کاشت حلزون موفق در بیمارستان خودمان داشته‌ایم. زمانی که ۳۲ عمل کاشت حلزون را انجام دادیم، حساب کردیم چیزی حدود ۳ هزار سفر به تهران را کم کرده‌ایم.

در کنار این فعالیت‌ها، آقای دکتر و تعدادی از همکارانشان یک مؤسسه خیریه هم راه انداخته‌اند تا اگر خانواده‌ای پول نداشت، به‌صورت رایگان عملش کنند. وقتی از ایشان درباره الگوی زندگی‌شان پرسیدم، از دوستان آمریکا و کانادایی‌شان نام نمی‌برند؛ بلکه در جای دیگری باید الگویشان را پیدا کرد:

اگر از من بپرسید الگویت در زندگی چه کسی است، به شما پاسخ می‌دهم  
مشتی‌عبدالله، پدر زحمت‌کش و کارگرم که آن‌قدر خالص و مخلص و خوب بوده که  
حالاً حالاها نمی‌توانم به گرد پایش برسم.

## اهداف درس‌نامه

۱. نشان‌دادن اخلاق علمی در راستای خدمت به مردم؛
۲. نشان‌دادن یک الگوی موفق در جهت گسترش دانش در استان گیلان؛
۳. اینکه لزوماً برای موفقیت نباید به مرکز، یعنی تهران، رفت و از آنجا هم به اروپا و آمریکا مهاجرت کرد؛
۴. توجه به اهمیت خانواده؛
۵. تلاش برای حل مشکلات مردم از طریق پیشرفت علمی.

## برای رسیدن به اهداف پیشنهاد می‌شود:

۱. کتاب *داستان روپان* را بخوانید و درمورد آن صحبت کنید. ببینید که چه شباهت‌هایی میان نوع نگرش دکتر آشتیانی در تأسیس و راه‌اندازی مرکز روپان، با فعالیت‌های دکتر نعمتی در راه‌اندازی مرکز تحقیقات دانشگاه و مرکز کاشت حلزون آوای کاسپین وجود داشته است.
۲. از مرکز کاشت حلزون استان بازدید کرده تا بچه‌ها از نزدیک با فضای مرکز آشنا شوند. حتی می‌شود با خانواده‌هایی که تجربه عمل موفق داشته‌اند صحبت کرد.
۳. درباره ساختار گوش و حلق و بینی برای بچه‌ها توضیح دهید و تبیین کنید که عمل کاشت حلزون چگونه انجام می‌شود.
۴. از مسئولین علوم پزشکی استان بخواهید درباره پیشرفت‌های پزشکی استان گیلان برای بچه‌ها صحبت کنند.
۵. با تمرکز روی رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه دوم، درباره ظرفیت پیشرفت‌های علمی در رشته‌شان صحبت کنید.

## تکالیف

۱. از بچه‌ها بخواهید درباره عمل کاشت حلزون تحقیق کرده و در کلاس کنفرانس دهند؛

۲. درباره دلایل زندگی دکتر نعمتی در گیلان با بچه‌ها گفت‌وگو کنید و اهمیت این دلایل را بیان کنید؛
۳. از بچه‌ها بخواهید درباره علایق علمی‌شان در کلاس صحبت کنند.